

**دستاوردهای کاوش‌های باستان‌شناسی در فارس براساس تجزیه و تحلیل
نقوش پستانداران
سفال‌های پیش از تاریخ منطقه در ۶۰۰۰ سال پیش و ارتباط آن با ویژگی‌های
زیست‌محیطی**

سهیلا غرابی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

سفال به‌دلیل کمی و دربرداشتن درصد قابل توجهی از آثار محوطه‌های پیش از تاریخ، عامل ارتباطی و نقش پیونددهنده فرهنگ‌های مختلف پیش از تاریخ را ایفا می‌کند. سفالگر آن زمان با توجه به نبود خط و کتابت از طریق تغییراتی که در شکل ظاهری و نقوش تزئینی به‌وجود آورده افکار خود را در رابطه با طبیعت و جامعه زمان خود به ما منتقل کرده است، ابتدایی‌ترین نقوش، نقوش هندسی است و بعد از آن به‌تدریج نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی نیز در مضامین ترسیم قرار گرفت.

نقوش مورد بررسی این مقاله در محوطه‌هایی مانند باکون، گپ، ریگ خسو، جلیان ... با سبکی زیبا بر روی سفالینه‌ها آراسته شده‌اند و براساس تصاویر این حیوانات می‌توان مقایسه‌ای



عینی و ذهنی بین محیط زیست امروزی و گذشته منطقه ارائه داد.

هدف تحقیق

نقوش پستانداران سفال‌های مناطق کاوش نشده، ارتباط آن با سایت‌های دیگر منطقه و بررسی زیست محیط این حیوانات مصور در گذشته، برای تدوین اطلس باستان‌شناسی دوره پیش از تاریخ منطقه مورد توجه قرار نگرفته، با انجام این تحقیق اهمیت اکولوژیک و تغییرات آن در دوران پیش از تاریخ و ارتباط آن با نقوش پستانداران بر روی سفال‌ها با توجه به ساختار میدانی مشخص می‌شود.

روش تحقیق

- ۱- طراحی تحقیق؛
 - ۲- جمع‌آوری اطلاعات از کتابخانه و موزه؛
 - ۳- مقایسه داده‌های باستان‌شناسی، زیست‌شناختی و جغرافیای منطقه؛
 - ۴- بررسی، مطالعه و طبقه‌بندی مطالب در یک چارچوب علمی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده؛
 - ۵- نتیجه‌گیری.
- این مقاله تحقیقی، بنیادی و تطبیقی است.

موقعیت جغرافیایی منطقه فارس

استان فارس در جنوب ایران قرار دارد و وسعت آن ۱۳۳ هزار کیلومتر مربع است. (هاشم‌زاده، ۱۳۶۶) و ناحیه‌ای کوهستانی است که ارتفاعات آن دنباله رشته‌کوه‌های زاگرس، با جهت شمال غربی - جنوب شرقی است (پتروف، ۱۳۵۰)

فارس از نظر آب و هوایی به سه بخش تقسیم شده است:

- ۱- شمال و شمال غربی استان، به علت کوهستانی بودن زمستان‌ها سرد و با برف و باران و



تابستان‌ها معتدل بوده و دامنه کوه‌ها پوشیده از جنگل و مرتع است.

- ۲- جنوب و جنوب‌شرقی استان، زمستان‌های معتدل و تابستان‌های گرم دارد، این منطقه دارای جلگه‌های وسیع و حاصلخیزی چون شیراز، کازرون، مرودشت و جلگه مرکزی است.
- ۳- نواحی مرکزی استان، زمستان‌های معتدل و بارانی و تابستان‌های گرم و خشک دارد و می‌توان آن را نوعی آب و هوای مدیترانه‌ای یا شبه مدیترانه‌ای نامید. (فرجی، ۱۳۶۹)

ارتباط حیات وحش و آب و هوا در فارس

استان فارس دارای تنوع آب و هوایی چشمگیری است و به همین دلیل حیات وحش متنوعی را دارا است. در شمال و شمال‌غربی که دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل و نواحی مرکزی با زمستان‌های معتدل و بارانی و تابستان‌های گرم و خشک، گونه‌های جانوری کل، بز، قوچ و میش، آهو، پلنگ، خرس قهوه‌ای و انواع گربه وحشی مشاهده می‌شود و در جنوب و جنوب‌شرقی با زمستان معتدل و تابستان گرم، علاوه بر گونه‌های یاد شده، گورخر، جیبر و یوزپلنگ وجود دارد. از طرفی زیستگاه‌های دشتی حیوانات وحشی تبدیل به اراضی کشاورزی و باغات شده و گسترده‌ی راه‌ها باعث پراکندگی و از بین رفتن گونه‌های دشت‌زی شده به‌طوری‌که نسل آهو و جیبر در اکثر نقاط دشتی استان منقرض شده است. در حال حاضر پارک ملی بמו و منطقه حفاظت شده هرمود و بهرام گور در فارس زیستگاه این حیوانات است.

مروری بر حفاری‌ها و بررسی‌های دوره پیش از تاریخ فارس

در ۱۹۲۸ هرتسفلد^۱، تپه باکون A و B را در مرودشت شناسایی کرد و به حفر گمانه‌های آزمایشی در آن پرداخت. در ۱۹۳۲ و ۱۹۳۷ لانگسدورف^۲ و مک کان^۳ و در ۱۹۵۶ نامیو اگامی^۴ و سی ایچی مسودا^۵ آن را حفاری کردند. (Alizadeh, 1991-2)

در ۳۴-۱۹۳۳ سر ارل استین^۶ بررسی گسترده‌ای در ناحیه جنوبی فارس، فسا، داراب، سروستان و فیروزآباد انجام داد.



در ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ واندنبرگ^۷ با همکاری بنگاه علمی تخت‌جمشید منطقه پاسارگاد تا تخت‌جمشید را بررسی کرد.

در ۱۹۵۹ توشیهیکو سونو در تپه گپ سرپرست گروه حفاری بود و در ۶۲-۱۹۶۱ خانم کلر گاف حفاری منظم تپه نخودی را انجام داد. (ملک شه میرزادی، ۱۳۶۷)

در ۱۹۶۹ سامنر^۸ به بررسی و کاوش در مکان‌های پیش از تاریخ مرودشت پرداخت.

دوران نوسنگی در فارس

از اوایل هزاره ششم ق.م فرهنگ روستانشینی با سکونت در تپه‌های موشکی، جری، باکون^۹ و گپ^{۱۰} آغاز گردیده و تا هزاره چهارم ق.م نشانه‌های آغاز شهرنشینی در اواخر دوره باکون A در دوران لپویی ظاهر می‌شود و در هزاره سوم ق.م در دوران آغاز نگارش و آغاز عیلامی (باننش) در تپه ملیان و در هزاره دوم و اول ق.م در دوران کفتری، قلعه، شغا و تیموران در فارس پدیدار شده است.

تقریباً نقوش حیوانی سفال‌های پیش از تاریخ فارس در دوران باکون ظاهر می‌شوند و نقوش تپه‌های دیگر بسیار شبیه آن است که از این مسئله برای گاه‌نگاری منطقه می‌توان استفاده کرد. (ر.ک. جدول شماره ۱)

نقوش پستانداران

۱- بز کوهی

نقش بز ابتدا به‌طور طبیعی بر روی سفال‌ها کشیده شده ولی به‌تدریج از طبیعت‌گرایی دور شده و هنرمند برای ایجاد هر طرح قاعده معینی را در نظر گرفته و به دلخواه و میل باطنی خود آن را نقش نموده است. (برزین، ۲۵۳۶)

اغلب دم حیوان دراز و کشیده شده و شاخ‌ها بدون تناسب پهن و بزرگ گردیده است. اندکی بعد فقط به نمایش شاخ بز پرداخته شده، به این صورت که دایره‌ای بزرگ طرح کردند، گاه طرح بز به‌طور مستقل و گاهی گروهی، که شاید نشانه‌ای برای نمایش گله و رمه‌ای که در اختیار



داشته‌اند، روی ظروف نقش شده‌اند. بز کوهی در تمام طبقات تپه باکون A و گپ و در تپه‌های دیگر با اشکالی بسیار مشابه به صورت‌های زیر یافت شده است:

۱-۱- پاهای بز کوهی

در باکون A نقوش (۱-۵) دو پای بز کوهی و به صورت واضح چهار پای حیوان تصاویر (۸-۶) ترسیم شده است. برای نشان دادن سم‌های شکافته، سم بز و حالت فیزیکی پا تلاش بسیار اندکی صورت گرفته و این نوع ترسیم رایج نبود. نقش از باکون A (۹)

۱-۲- بدن بز کوهی

در نقوش، بزهای کوهی به ندرت دارای ابعاد بدنی مستطیل بودند. نقش از تپه جلیان^{۱۱} (۱۰)

۱-۳- ریش بز کوهی

نقوش بزهای کوهی فاقد ریش از انواع دیگر بز رایج‌تر است. در واقع تعداد بسیار اندکی از حیواناتی که دارای ریش بودند در انواع مختلفی در باکون A (تصویر ۱۴-۱۱) و تپه جلیان (تصویر ۱۶-۱۵) یافت شده‌اند، و نقش (۱۱) (میرشیچی، ۱۳۵۰) از باکون A بزرگ‌ترین تصویر حیوانی ریش‌دار را نشان می‌دهد.

۱-۴- شاخ‌های بز کوهی

شاخ‌ها به صورت‌های مختلفی نشان داده شده است:

۱- شاخ‌هایی که بخش فوقانی آنها، دندانه‌دار (باکون A: تصویر ۱۷) و یا دارای برجستگی و برآمدگی (باکون A: تصویر ۵-۴) و یا دارای اشکالی شبیه به گل (باکون A: تصویر ۱۸) هستند. در مقایسه با شاخ گوسفند وحشی باید گفت که این برجستگی‌های^{۱۲} روی شاخ مختص به بز کوهی است.

۲- شاخ‌هایی که در بالای سر به دو بخش تقسیم شده است. (باکون A: تصویر ۱۹)

۳- شاخ‌هایی که از پایه (محل رویش سر) به هم مربوط و متصل شده‌اند. (باکون A: تصویر ۲۰)

۴- شاخ‌هایی که ساده و نواری شکل ترسیم شده‌اند. (باکون A: تصویر ۲۵-۲۱) (Alizadeh, 2000) و (تپه گپ: تصویر ۲۷-۲۶) و (تپه ریگ خسو^{۱۳}: تصویر ۲۸) و (تپه جلیان: تصویر ۱۶)

(Willi, 1981) و نقش ۲۹ از باکون A در نشان دادن چشم بی نظیر است. (Egami, 1962)



۲- گوسفند وحشی

حیوان دیگری که تصاویرش بسیار رایج است، گوسفند وحشی هست، برخی از بدن‌های این گوسفندان به‌طور غیر عادی فاقد هرگونه ظرافت و دقت ترسیمی هستند. (باکون A: تصویر ۳۰)

۱-۲- شاخ‌های گوسفند وحشی

در برخی از نقوش، شاخ‌ها از محل رویش سر از هم جدا شده‌اند. (باکون A: تصویر ۳۱) و یا مانند شاخ‌های بز کوهی از محل پایه به هم متصل شده‌اند. (باکون A: تصویر ۳۲-۳۳) شاخ‌های گوسفند وحشی از شاخ‌های بز کوهی قابل تشخیص و شناسایی است، شاخ‌ها در بز کوهی شمشیری شکل و در گوسفند وحشی پیچ خورده است. (باکون A: تصویر ۲-۱)

۳- گاو

احتمالاً نقش گاو با کشاورزی و دامداری مرتبط است، گاو اهمیت اقتصادی زیادی دارد. سفال‌های کمی از باکون A یافت شده‌اند که نقش گاو را با بعضی جزئیات غیر معمول و سرهای گاو نشان می‌دهد. (باکون A: تصویر ۳۴-۳۶)

۴- آهو، جبیر

آهوان قادرند در مناطقی با پوشش گیاهی اندک که بیشتر از بوته‌زارها، فورب‌ها و علف‌ها تشکیل شده است، زندگی کنند. بیشتر زیستگاه‌های آهوی ایرانی را مناطق استپی، خصوصاً درمنه‌زارها و دشت‌های پوشیده از علف‌های شور که از کوهپایه‌ها زیاد دور نیستند، تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد که تیپ گیاهی غالب زیستگاه جبیر (نوعی آهو) شامل گیاهانی است که علاوه بر تأمین غذا از نظر پناه نیز برای حیوان اهمیت دارد. آهو مربوط به دشت‌های نیمه‌خشک و جبیر مربوط به دشت‌های خشک و نیمه‌کوبری است. آهوی ماده شاخ ندارد، در موقع فرار دم آهو عمودی می‌شود و این حالت در تصویر ۳۷ از باکون A به خوبی نشان داده شده است.



۵- سگ، سمور

انواع مختلف و متعددی از سگ‌ها دیده شده‌اند، سگی با دمی پهن و کلفت که روی پشتش لوله شده و به طرف عقب برگشته است. (باکون A: تصویر ۳۸) نوعی سگ تازی با بدنی لاغر و بلند اندام و دمی باریک و کشیده (باکون A: تصویر ۳۹ و تپه سیاه مادوان: تصویر ۴۰) و سگی با بدنی فربه‌تر و کوچکتر و دمی بلند در باکون A، تصویر ۴۱ و تپه گپ، تصویر ۴۲ ظاهر شده است. احتمالاً نقوش (۴۳-۴۴) با موهای بلند از تپه ریگ مادوان، نقش انتزاعی سمور است.

۶- خرگوش

در باکون A (تصویر ۴۷-۴۵) سفال‌های کمی هستند که نشان‌دهنده حیواناتی مانند خرگوش با گوش‌های بزرگ و فاقد دم هستند.

۷- پلنگ و یوزپلنگ

پلنگ در جنگل، در میان بوته‌ها یا دامنه‌های سنگلاخی کوه‌ها و یا هر جا که پوششی برای مخفی شدن برایش موجود باشد، زندگی می‌کند. بیشتر سطح بدن پلنگ از خال‌های سیاهی پوشیده شده است و بسیار شبیه یوز است اما سر یوزپلنگ کوچکتر و پاهایش کشیده‌تر از پلنگ است. نقش ۴۸، پلنگ را در باکون A و تصویر ۴۹، یوزپلنگ را در باکون B نشان می‌دهد. (لایف، ۱۳۵۱)

۸- شیر

نقش شیر در باکون A (تصویر ۵۱-۵۰) و در تپه گپ (تصویر ۵۲) به صورت ردیفی از شیرهایی با دم بلند به دست آمده است. (Langsdorff & Mccown, 1942)



۹- خوک، گراز

شاید نقش یکی از سفال‌ها از باکون A (تصویر ۵۳) گویای دو پای و کپل یک خوک باشد. نقش گراز را در ظرفی از تپه نخودی (تصویر ۵۴) می‌بینیم. (Coff, 1982)

۱۰- گورخر

نام اصلی این حیوان زیرا به معنی مخطط و از خانواده اسب و الاغ هست. گورخر دونده بسیار سریعی است و با جبیر مأنوس هست. گورخر اکثراً در دشت‌های استپی مرکز، جنوب، جنوب شرقی، شرق و شمال شرق ایران دیده شده است. تخریب محیط زیست و فشار انسان و پیشرفت تکنولوژی گورخر ایران را مانند سایر اقوامش در آسیا از مناطق استپی به حواشی کویر و مراتع صحرائی و غیر قابل کشت و زرع کشانده است. هم اکنون حدود ۶۰ رأس گور در دامنه‌های کوه سرخ ریگ جمشید و کفه عین‌الجلال در جنوب ایران هستند، و مهم‌ترین زیستگاه آن در فارس و کرمان است. (بیات، ۱۳۶۲) احتمالاً تصویر ۵۵ از باکون A گورخر یا الاغ است.

گونه‌های نادر جانوری در خطر انقراض فارس (وضعیت پراکندگی در گذشته و حال)

استان فارس به علت تنوع فراوان آب و هوایی از نظر حیات وحش و گونه، بسیار متنوع است. در حال حاضر نیز به جز چند مورد، تنوع جانوری خود را حفظ نموده است. در گذشته در اثر عدم تخریب پوشش گیاهی دشتی و وجود زیستگاه‌های عمده، بین همه اجزاء تشکیل‌دهنده اکوسیستم‌ها تعادل برقرار بوده و هر حیوانی در جایگاه خود می‌توانست ادامه حیات دهد ولی به تدریج در نتیجه دخالت‌های بدون مطالعه انسان در طبیعت برخی از گونه‌های حیوانی به دلایل مختلف قادر به ادامه زندگی نبوده و از بین رفتند و در این میان نقش اقلیم و اکولوژی منطقه را در نابودی این زیستگاه‌ها و در نهایت پراکنش حیوانی نباید از نظر دور داشت.

در اینجا به تعدادی از حیوانات منقرض شده و یا در حال انقراض در فارس و پراکنش این

حیوانات در گذشته و حال در روی نقشه (۱) اشاره می‌کنیم:



- شیر آسیایی: این حیوان که آخرین زیستگاهش در کشور ایران، دشت ارژن و ارتفاعات گرمسیری بین کازرون و نورآباد ممسنی در استان فارس بوده است به کلی نابود گردیده است؛
- گورخر آسیائی: این حیوان نیز در گذشته در اکثر مناطق دشتی و کویری ایران پراکندگی داشت و در سطح استان فارس نیز در قسمت‌های شرقی استان فارس که از شرایط اقلیمی نیمه‌کویری برخوردار است بوده ولی امروزه منحصرأ در منطقه حفاظت شده بهرام گور است؛
- پوزپلنگ: این حیوان نیز که در سطح کشور بسیار فراوان بوده است. در حال حاضر گروه بسیار اندکی از آن در سطح کشور موجود است و در استان فارس نیز در منطقه حفاظت شده بهرام گور در شرق نیریز زیست می‌کند؛
- پلنگ: این حیوان در گذشته در سطح استان فارس پراکنده بود ولی امروزه در پارک ملی منطقه حفاظت شده بهرام گور موجود است؛
- جبیر: این حیوان وحشی نیز در گذشته در اکثر دشت‌های گرمسیری استان فارس زیست می‌نمود ولی در حال حاضر به تعداد بسیار اندکی در منطقه حفاظت شده بهرام گور در شرق نیریز و منطقه حفاظت شده بهرام گور لارستان وجود دارد؛
- آهو: این حیوان نیز در گذشته در اکثر قسمت‌های استان فارس زیست می‌نمود و از جمعیت بسیار فراوانی برخوردار بود ولی امروزه تنها در پارک ملی بمو و به تعداد اندکی در برخی از مناطق دشتی استان وجود دارد؛
- بز و پازن، قوچ و میش: ارتفاعات صخره‌ای بهترین پناهگاه این حیوانات است. آنها در گذشته در ارتفاعات سطح استان فارس پراکنده بودند و امروزه بیشتر در مناطق حفاظت شده و پارک‌های ملی فارس نگهداری می‌شوند. (پروژه مطالعه جامع محیط زیست فارس، ۱۳۷۲)

نتیجه

با توجه به اینکه استان فارس متأثر از آب و هوای غیر مدیترانه‌ای است و ارتفاع کوه‌های زاگرس از غرب به شرق به تدریج کاهش می‌یابد، کاهش تدریجی ارتفاع از سطح دریا با پراکندگی بیشتر کوه‌ها به طرف شرق ادامه دارد. تغییراتی که در توپوگرافی زاگرس فارس به‌وجود آمده تغییرات



جغرافیایی آب و هوایی کم‌نظیری را ایجاد نموده که موجب شکل‌گیری اکوسیستم‌های متنوع خشکی و آبی گردیده است. گوناگونی زیستگاه‌ها به همراه تنوع گونه‌های جانوری و گیاهی، این استان را از موقعیت خاص اکولوژیکی برخوردار نموده است. تأثیر آب و هوای غیر مدیترانه‌ای از عوامل مؤثر در ایجاد تنوع زیستی است و این تنوع زیستی موجب شده چندین گونه جانوری خشکی‌زی نادر همانند گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ آسیایی، گورخر آسیایی، جبیر و آهو در این استان در زیستگاه‌های طبیعی تحت نظر باشند. اکثر تپه‌های بررسی شده دوران پیش از تاریخ فارس در جلگه مرودشت واقع شده‌اند. این جلگه در حد فاصل کوه رحمت و رود کر است و ویژگی‌هایی از قبیل آب و هوای مناسب، حوضه‌های آبریز غنی (رودخانه، چشمه، دریاچه‌ها) و دسترسی آسان به منابع غذایی گیاهی و حیوانی به‌عنوان عوامل عمده محیطی در شکل‌گیری و تکامل دوران پیش از تاریخ جلگه مرودشت نقش مؤثری داشته است.

تقریباً نقوش حیوانی سفال‌های پیش از تاریخ فارس در دوره باکون ظاهر می‌شوند. از میان انواع نقوش حیوانی، بز کوهی و گوسفند وحشی بیشترین نقش را از میان تپه‌های مختلف گپ، باکون، جلیان، ریگ خسو، سیاه مادوان، ریگ مادوان و نخودی دارد، شاید بتوان یکی از دلایل فراوانی این نقوش را تعداد زیاد این حیوانات در فارس دانست، هر چند که انسان در کاهش شدید آن دخیل است ولی مهم‌ترین علت آن مربوط به نابودی قسمت وسیعی از بخش اولیه زنجیره غذایی گیاهان سبز است. باید توجه داشت که برخی از گونه‌ها نقش کلیدی را در اکوسیستم به‌عهده دارند و از بین رفتن آنها موجب نابودی تعدادی از گونه‌های دیگر که به‌وجود هم نیازمند هستند، خواهد شد.

نقوش گاو (تصاویر ۳۶-۳۴) از باکون A بیانگر دخالت انسان و مسئله گزینش و انتخاب است. به این ترتیب که اهلی کردن این حیوان در هزاره چهارم ق.م اثرات شگرفی در زندگی انسان و اکوسیستم منطقه بر جای گذاشته است. چرا که این حیوان یکی از عوامل تخریب و توقف زادآوری بخش‌های مهمی از جنگل‌های باقی‌مانده است.

ظهور تصویر شیر در تپه‌های گپ و باکون (تصاویر ۵۲-۵۰) در ۶۰۰۰ سال پیش بیانگر فراوانی حیوانات گیاهخوار در فارس است.



با توجه به مطالب گفته شده، انسان از ۶۰۰۰ سال قبل تاکنون بی‌وقفه زیستگاه‌ها را تغییر داده است. مهم‌ترین عامل تهدیدکننده مهم در اکوسیستم جنگل‌ها در گذشته، آتش‌سوزی بود که باعث سوختن پوشش گیاهی می‌گردید و از دیگر عوامل تخریب تبدیل این زیستگاه‌ها به اراضی کشاورزی و چراگاه‌ها بود که انقراض حیوانات گیاهخوار و گوشخوار را در پی داشت. اما نمی‌توان تنها عامل را انسان دانست. بلکه عوامل دیگر طبیعی هم مانند تغییرات آب و هوایی ناشی از گرم شدن زمین و کم شدن مقدار باران و غیره دخیل هستند.

نقوش حیوانی باکون A حالت قراردادی پیشرفته‌تری در مقایسه با گپ نشان می‌دهد و نقوش حیوانی تپه‌های جنوبی فارس (ریگ خسو، ریگ مادوان و سیاه مادوان) قابل مقایسه با باکون A هستند.

در اکثر جدول‌های گاه‌نگاری به علت کمی و یا فقدان مدارک قابل استفاده و یا قدیمی بودن از دقت چندانی برخوردار نیستند، بازبینی مجدد در این جداول به همراه حفاری‌های نوین در فارس ضرورتی تام دارد. با توجه به نقشه شماره (۱) باید به محوطه‌ای مانند جلیان و محوطه‌های جنوب فارس از جمله تپه‌های سکو، ریگ خسو، ریگ مادوان، تپه سیاه مادوان جدی‌تر نگریست. چون همان‌طور که مشاهده می‌شود پراکنش حیوانی در جنوب فارس بسیار غنی است و لازم است بررسی و حفاری‌هایی در جهرم، فسا و داراب انجام شود تا مراحل فرهنگی در جداول فارس گنجانده شود.

پی‌نوشت‌ها

1. E. Herzfeld.
2. A. Langsdorff.
3. D. E. McCown.
4. Namio, Egami.
5. Seiichi, Masuda.
6. Sir Marc Aurel, Stein.
7. L. Vanden Berghe.
8. W. Sumner.

۹. تپه باکون: دو تپه نزدیک به هم هستند که در حدود ۲/۵ کیلومتری جنوب تخت‌جمشید در مرودشت فارس واقع شده‌اند. آثار تپه الف (A) جدیدتر از تپه ب (B) است که قدمت تپه B حدوداً (۴۵۰۰-۵۰۰۰ قبل از میلاد) و تپه A (۳۵۰۰-۴۰۰۰ قبل از میلاد) تعیین شده است.



۱۰. تپه گپ: در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی تخت جمشید قرار دارد. از نظر تاریخی این فرهنگ متعلق به اواخر هزاره پنجم قبل از میلاد است که در اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد نیز همزمان با فرهنگ باکون A تداوم یافته است و فرهنگ باکون A بعد از گپ است.

۱۱. تپه جلیان: در ناحیه فسا است و آثار آن مربوط به هزاره دوم و اول قبل از میلاد است.

12. Knob.

۱۳. تپه ریگ خسو: در ناحیه داراب قرار دارد.

منابع

- برزین، پروین، «مفاهیم نقوش بر سفال دوران قبل از تاریخ»، مجله هنر و مردم، ش ۱۸۵-۱۸۴، ۲۵۳۶.
- بیات، حمیدرضا، «گورخر»، مجله محیط زیست، ش ۲، بهمن ۱۳۶۲.
- پتروف، م. ب.، مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ترجمه ح. گل گلاب، نشر تهران، دی ۱۳۵۰.
- پروژه مطالعه جامع محیط زیست استان فارس، سازمان حفاظت از محیط زیست، اسفند ۱۳۷۲.
- فرجی حمزه، گزارش تحقیقی از محیط زیست فارس، سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۶۹.
- لایف، اینمال، «پلنگ»، مترجم نصرت‌الله برزآبادی، مجله شکار و طبیعت، ش ۱۴۹، فروردین ۱۳۵۱.
- ملک شهمیرزادی، صادق، ایران در پیش از تاریخ از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۷.
- میرشیجی، دو پیر، «ظرف‌های سفالین ایلامی و خوزی»، در ناحیه مشرق فارس، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۷ و ۸، ۱۳۵۰.
- هاشم‌زاده، اسدالله، پروژه مطالعه استان فارس، ۶۷-۱۳۶۶.
- Alizadeh, Abbas, *the origins of state organization in prehistoric Fars, southern Iran*, oriental institute publication the university of chicago, 2000.
- Egami, nand seiich masuda, marvdasht I, *the excavation at tall-I-Bakun in 1956*, tokyo, Report 2, institute of oriental culture of the university of tokyo, 1962.
- Goff, clare, "excavations A tall-I-Nokhodi", *Iran*, Vol. II, 1964.
- Langsdorff and D.E. MCcown, *tall-I-Bakun A*, oriental institute publication, No. 59, oriental institute university of chicago, 1942.
- Willi, stauki, *Unterlagen zur keramic des Alten Vordren orients*, Teil. 1, EA-Verlag, zurich, 1981.
- WWW. Abbas Alizadeh/tall Bakun projoect/1991-2/.



جدول شماره (۱) گاه‌نگاری فارس

تاریخ	دوره	سفال
۹۰۰	قلعه	سفال به رنگ نخودی و نقش قهوه‌ای یا سیاه
۱۴۵۰-۱۱۰۰	ایلام میانی	
۱۶۰۰	شغا	ظروف قرمز رنگ با نقوش قهوه‌ای مایل به قرمز یا قهوه‌ای مایل به سیاه
	کفتری	ظروف نخودی منقوش و ساده، ظروف با لعاب گلی غلیظ قرمز کفتری در انواع ساده و منقوش
۲۲۰۰	وقفه	
۲۸۰۰	باننش	گروه سفال‌ها با تمپر کاه که در سراسر دوره غالب بود و گروه سفالین با تمپر شن و ظروف با لعاب گلی منقوش سیاه سفید یا قرمز و کاسه‌های لبه وارخته
۳۴۰۰	لپویی	ظروف ظریف قرمز ساده
۳۹۰۰	باکون	سفال یا لعاب گلی نخودی با رنگ سیاه شامل نقوش هندسی و حیوانی
۴۵۰۰	شمس‌آباد	سفال با تمپر گیاهی درست و با پخت ناکافی به رنگ قهوه‌ای روشن، قرمز ساده
۴۸۰۰	جری	سفال با لعاب گلی رقیق سفید اندود شده دارای طرح‌های هندسی قرمز، سیاه یا قهوه‌ای





۱



۲



۳



۴



۵



۶



۷



۸



۹



۱۱



۱۱



۱۵



۱۲



۱۴



۱۳



۱۲



۱۷



۱۸



۱۹



۲۰



۲۱



۲۲



۲۳



۲۴



۲۵



۲۶



۲۷



۲۸



۲۹



۳۰



۳۱



۳۲



۳۳



۳۴



۳۵



۳۶



۳۷



۳۸



۳۹



۴۰



۴۱



۴۲



۴۳



۴۴



۴۵



۴۶



۴۷



۴۸



۴۹



۵۰



۵۱



۵۲



۵۳



۵۴



۵۵